

## **Rules Governing the Multiplicity of Offence of Smuggling of Goods and Currency**

Omid Rostami Ghazani\*

Received: 2021/01/28

Accepted: 2021/08/06

Taking smuggling of goods and currency so seriously, lawmakers enacted the Law of Combat against Smuggling of Goods and Currency. This law adopts a harsh penal policy. Predicting special regulations regarding the offense of smuggling goods and currency on the one hand, and referring the verdict of some issues to general laws, including the Islamic Penal Code, has caused ambiguities regarding the application of some institutions, including the issue of multiple offenses, regarding the offence of smuggling goods and currency. Inclusion or non-inclusion of multiplicity regulations on instances of smuggling violations, provision of specific regulations such as professional smuggler and its relationship with the institution of multiplicity, the multiplicity of smuggling offenses with related offenses, and how to aggregate convictions to enforce multiplicity regulations are some of the ambiguities that this article has tried to resolve with a descriptive and analytical method. Due to these opposing views, it is nonetheless considered that the rules of the multiplicity of crimes apply to cases of trafficking violations and that this requires a logical response to the problem of compiling sentences issued by the Revolutionary Courts and Governmental Penalties Organization branches. In addition, even though the rule of multiplicity in different instances of the offence of smuggling with each other and about other crimes is subject to the provisions of the Islamic Penal Code, it should be noted that special provisions are applicable in this regard.

**Keywords:** Multiplicity of Offence, Spiritual Multiplicity, Material Multiplicity, Smuggling of Goods and Currency, Professional Smuggler, Aggregation of Convictions.

---

\* Assistant Prof. of Criminal Law, Faculty of Law, Ahlul Bayt International University, Tehran, Iran.

[o.rostamighazani@abu.ac.ir](mailto:o.rostamighazani@abu.ac.ir)

## قواعد حاکم بر تعدد در بزه قاچاق کالا و ارز

امید رستمی غازانی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

با توجه به اهمیت بزه قاچاق کالا و ارز، قانون‌گذار در راستای اتخاذ سیاست کیفری افتراقی سخت‌گیرانه اقدام به وضع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نموده است. پیش‌بینی مقررات خاص در خصوص بزه قاچاق کالا و ارز از یک‌سو و ارجاع حکم برخی از موضوعات به قوانین عام و از جمله قانون مجازات اسلامی، سبب ایجاد ابهام‌هایی در خصوص نحوه اعمال برخی از نهادها و از جمله موضوع تعدد در خصوص بزه قاچاق کالا و ارز شده است. شمول یا عدم شمول مقررات تعدد بر مصادیق تخلف قاچاق، پیش‌بینی مقررات خاص مانند قاچاقچی حرفه‌ای و ارتباط آن با نهاد تعدد، تعدد بزه قاچاق با بزه‌های مرتبط با آن و نحوه تجمیع محکومیت‌ها در جهت اجرای مقررات تعدد با توجه به مراجع متفاوت صلاحیت‌دار رسیدگی به آن از ابهام‌هایی است که این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی در جهت رفع آنها تلاش نموده است. بر این اساس با وجود برخی نظرات متفاوت نظر بر این است که مقررات تعدد شامل مصادیق تخلف بزه قاچاق نیز گردیده و این امر مستلزم ارائه راهکاری منطقی جهت تجمیع محکومیت‌های صادره از دادگاه‌های انقلاب و شعب تعزیرات حکومتی است. علاوه بر این هر چند حکم کلی تعدد در مصادیق مختلف بزه قاچاق با یکدیگر و نیز در ارتباط با بزه‌های دیگر تابع احکام مقرر در قانون مجازات اسلامی است و لیکن در این زمینه می‌بایست به مقررات خاص نیز توجه داشت.

**واژگان کلیدی:** تجمیع محکومیت‌ها، تعدد جرم، تعدد معنوی، تعدد مادی، قاچاق کالا و ارز، قاچاقچی حرفه‌ای، قانون مجازات اسلامی.

---

\* استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه اهل بیت علیهم‌السلام، تهران، ایران.

## مقدمه

بزه قاچاق پیشینه‌ای طولانی دارد و تاریخ پدیداری آن را می‌توان هم‌زمان با تشکیل حکومت‌ها و برقراری مقرراتی برای معاملات و ورود و خروج کالا دانست (سوری، ۱۳۵۹، ص. ۳). در واقع از زمانی که دولت‌ها در جهت کسب درآمد برای تأمین بخشی از هزینه‌های خود، اقدام به وضع مقرراتی بر تجارت خارجی نمودند، همواره اشخاصی بودند که در صدد نپرداختن این وجوه بوده و در نتیجه قاچاق نیز وجود داشته است و «تا زمانی که محدودیت‌های قانونی برای ورود و خروج کالا در کشوری وجود دارد پدیده قاچاق کالا هم از تبعات آن است» (ساک، ۱۳۸۱، ص. ۳۲).

اصطلاح «قاچاق» در نظام حقوقی ایران دارای معانی مختلف است و در دو مفهوم «موسع» و «مضیق» بکار رفته است. قاچاق در مفهوم مضیق، معادل قاچاق گمرکی (یا همان قاچاق کالا و یا ارز) است (الهام؛ میرخلیلی و پرهام‌فر، ۱۳۹۳، ص. ۵۱) و در مقابل قاچاق غیرگمرکی یا قاچاق کالای ممنوعه است (احمدی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۰). ملاحظه قوانین و مقررات نشان از آن دارد که قلمرو مفهومی قاچاق بسیار متنوع و در عین حال بعضاً بسیار گسترده بوده است. هر چند قانون‌گذار در بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با ارائه تعریفی از قاچاق سعی در مشخص نمودن مفهوم قاچاق کالا و ارز داشته باشد ولیکن خود این تعریف دارای اشکالات فراوانی (مانند تعارض بین قسمت‌های مختلف تعریف) است که پرداختن به آن از موضوع این مقاله خارج است. همچنین در اینجا لازم به ذکر است که با توجه به ماده ۴۴ قانون مذکور مصادیق قاچاق کالا و ارز حسب مورد مشمول عنوان جرم و یا تخلف می‌باشند و به‌کارگیری واژه بزه در این مقاله در جهت شمول موضوع بر هر دو مورد است.

بررسی سابقه تاریخی بزه قاچاق کالا و ارز در نظام حقوقی معاصر ایران نیز نشان از آن دارد که در بیش از ۳۰۰ مقرر قانونی به موضوع قاچاق پرداخته شده است که البته بسیاری از این مقررات در حال حاضر منسوخ هستند. با توجه به اثرات منفی بزه قاچاق در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی (ر.ک: سیف، ۱۳۸۷، صص. ۸۱-۱۱۶ و غلامی و نمروزی، ۱۳۹۸، ص. ۲۰)، گسترده‌گی ارتکاب و تنوع روش‌های ارتکاب آن سبب شده است، که قانون‌گذار همواره سیاست کیفری افتراقی توأم با سخت‌گیری را اتخاذ نماید که تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز

نمودی از استمرار این سیاست افتراقی بوده است (رستمی غازانی، ۱۳۹۹، ص. ۹۱؛ فتحی و امیرحاجیلو، ۱۳۹۷؛ ابراهیمی و دانش، ۱۳۹۸ و پاک‌نیت، ۱۳۹۸) هر چند در ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز حکم تعدد در بزه قاچاق به قانون مجازات اسلامی ارجاع داده شده است و لیکن سؤالات چندی در اینجا مطرح می‌شود. آیا حکم تعدد در بزه قاچاق تابع سیاست کیفری عمومی است و یا اینکه در این خصوص به مانند بسیاری از موارد مربوط به بزه قاچاق تابع سیاست افتراقی است؟ آیا مطلق مصادیق بزه قاچاق از حیث تعدد شامل حکم مقرر در قانون مجازات است؟ با توجه به حکم ماده ۴۴ قانون مبنی بر تفکیک مصادیق بزه قاچاق حسب مورد به «جرم» و یا «تخلف» آیا حکم تعدد در مصادیق تخلف بزه قاچاق نیز جاری است؟ ارتباط نهاد «قاچاقچی حرفه‌ای» مذکور در قانون با احکام تعدد اتهام چیست؟ آیا امکان صدق عنوان قاچاقچی حرفه‌ای با ارتکاب قاچاق به صورت تعدد مادی وجود دارد؟ آیا در همه موارد در خصوص تعدد بزه قاچاق با دیگر عناوین اتهامی موضوع تابع قانون مجازات اسلامی است؟ آیا مقررات خاصی در تعدد بزه قاچاق با بزه‌های مرتبط وجود دارد؟ با توجه به صلاحیت شعب دادگاه انقلاب و شعب تعزیرات حکومتی در رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز، در فرضی که امکان رسیدگی توأمان به جهت رعایت مقررات صلاحیت ذاتی وجود ندارد، نحوه رعایت مقررات تعدد به چه نحوی است؟ در ادامه به بررسی این سؤالات پرداخته می‌شود.

#### ۱. قواعد حاکم بر تعدد در مصادیق بزه قاچاق کالا و ارز

حقوق‌دانان تعدد جرم را بر دو نوع تعدد مادی یا واقعی و تعدد معنوی یا اعتباری می‌دانند. گاهی شخصی با رفتاری واحد قوانین متعدد جزایی را نقض می‌کند و گاهی با رفتارهای متعدد، قوانین جزایی متعددی را نقض می‌کند که از اولی به تعدد معنوی یا اعتباری و از نوع اخیر به تعدد واقعی یا مادی یاد می‌کنند (الهام، ۱۳۷۲، ص. ۳). در ادامه با توجه به حکم ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که حکم تعدد قاچاق را به قانون مجازات اسلامی ارجاع داده است ضمن تبیین این موضوع به مواردی که شبیه تعدد بوده ولیکن متفاوت از آن می‌باشند، اشاره خواهد شد.

#### ۱-۱. ارجاع حکم تعدد به قانون مجازات اسلامی

به موجب ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز یکی از مواردی که حکم آن به قانون مجازات اسلامی ارجاع داده شده، «تعدد» است. «حکم تعدد... قاچاق... مطابق قانون مجازات اسلامی است». با توجه به اینکه مصادیق بزه قاچاق کالا و ارز به موجب ماده ۴۴ قانون مذکور حسب مورد به «جرم» و «تخلف» تقسیم شده است، در فرض سکوت ماده ۶۳ در خصوص ارجاع به قانون مجازات اسلامی، در خصوص مصادیق جرم قاچاق از جهت اجرای احکام عام ناظر بر جرایم تردیدی در اجرای مقررات تعدد مذکور در قانون مجازات اسلامی نبود ولیکن این ابهام باقی می‌ماند که در خصوص مصادیق تخلف قاچاق آیا می‌توان مقررات قانون مجازات اسلامی را اعمال نمود؟ لیکن با توجه به اینکه به موجب ماده ۶۳ مطلق احکام تعدد به قانون مجازات اسلامی ارجاع داده شده است، از این رو احکام تعدد در تخلفات قاچاق نیز تابع قانون مجازات اسلامی است (برای نظر مخالف ر.ک: ساکی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۲). علاوه بر این ماده ۴۶ قانون نیز دلالت بر برخورداری شعب تعزیرات حکومتی از همه اختیارات مراجع قضائی (البته جز در موارد مصرح در قانون) در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق دارد که یکی از این اختیارات می‌تواند اختیار اعمال مقررات تعدد باشد.

در تأیید دیدگاه نگارنده باید توجه داشت که واژه تخلف در ماده ۴۴ قانون در متن اولیه لایحه ارسالی مربوط به این قانون موجود نبود، حتی در متن مصوب مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی نیز چنین واژه‌ای وجود نداشت. حتی متن این ماده عیناً به تأیید شورای نگهبان رسیده و از نظر آن مرجع نیز ایرادی متوجه آن دانسته نشد، لیکن مجلس در جریان بررسی ایرادات شورای نگهبان به پیشنهاد مرکز پژوهش‌های مجلس، با تغییر عبارت این ماده، واژه تخلف را اضافه نموده و پرونده‌های در صلاحیت تعزیرات حکومتی را تخلف محسوب نمود و هم‌زمان واژه جرم که در مواد مختلف این قانون موجود بود را با هدف تسری احکام جرایم به تخلفات در صلاحیت تعزیرات حکومتی، حذف نمود. این موضوع از بررسی و تطبیق مصوبه مورخ ۹۰/۱۱/۱۱ مجلس با مصوبه ۹۲/۱۰/۳ آن مرجع کاملاً مشخص است (اجتهادی، ۱۳۹۶، ص. ۳۸).<sup>۱</sup>

البته ممکن است اشکال شود که اجرای احکام تعدد در خصوص مصادیق تخلف

بزه قاچاق خلاف اصل قانونی بودن مجازات‌ها است؛ چرا که در مقررات تعدد در قانون مجازات اسلامی صراحتاً به جرم اشاره شده است و لیکن پاسخ آن است که اگر قانون‌گذار خود حکم به این مسئله نموده باشد، این اشکال سالبه به انتفاء موضوع است و به موجب ماده ۶۳، قانون‌گذار با بیان مطلق قاچاق حکم تخلف قاچاق را نیز تابع قانون مجازات اسلامی دانسته است. علاوه بر این، دیدگاه قائل به تسری احکام تعدد به مصادیق تخلف قاچاق در راستای تفسیر به نفع مرتکب بزه می‌باشد؛ با توجه به اینکه ضمانت‌اجرای مقرر برای تخلفات قاچاق اصولاً ضبط کالا و جریمه نقدی نسبی است که با تطبیق با ضوابط درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری درجه ۷ محسوب می‌شوند و قول به عدم اجرای مقررات تعدد در خصوص آنها به معنای این است که در موارد تعدد مادی دو جزای نقدی در خصوص مرتکب حکم شده و هر دو نیز به اجراء درآید و این در حالی است که در صورت پذیرش دیدگاه نگارنده با توجه به احکام بندهای ت و الف ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی فقط حکم به یک جزای نقدی می‌شود.

با توجه به اینکه ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی بین تعدد در جرایم مختلف و غیرمختلف قائل به تفکیک شده است، در اعمال مقررات تعدد نسبت به بزه قاچاق می‌بایست به این تفکیک توجه داشت. در صورتی که شخصی به دفعات متعدد مرتکب بزه قاچاق شده و نوع رفتار او در هر یک از دفعات متفاوت باشد، مانند آنکه در دفعه اول مرتکب رفتار وارد کردن کالا و یا ارز و در مرتبه دوم مرتکب رفتار حمل آن شود، با توجه به اینکه ارتکاب مصادیق مختلف رفتاری بزه قاچاق (مانند ورود، خروج، حمل، نگهداری، عرضه و فروش) همگی مشمول یک عنوان است، مختلف محسوب نمی‌شوند. در این راستا اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۳۹۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۶ در تعیین ضابطه برای مختلف و غیرمختلف بودن برای اعمال مقررات تعدد، در مواردی که دو یا چند رفتار مجرمانه در یک ماده قانونی ذکر و برای آنها مجازات پیش‌بینی شده است را مشمول عناوین غیرمختلف می‌داند. این برداشت با اصل تفسیر به نفع متهم نیز سازگارتر است؛ چرا که مقایسه بند الف ماده ۱۳۴ با بندهای ب و پ آن ماده نشان از آن دارد که قانون‌گذار رویکرد سخت‌گیرانه‌تری نسبت به تعدد مادی از نوع مختلف دارد. علاوه بر این، آنچه که سبب

مختلف تلقی شدن جرایم می‌شود، اختلاف در نوع رفتارها نیست؛ بلکه اختلاف در عناوینی است که قانون‌گذار برای جرایم پیش‌بینی نموده است؛ چرا که ممکن است قانون‌گذار چند رفتار را مشمول عنوان واحدی بداند، (مانند رفتارهای چهارگانه مذکور در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات ذیل عنوان خیانت در امانت) موضوعی که در خصوص بزه قاچاق نیز رخ داده و قانون‌گذار رفتارهای متعدد را در ذیل عنوان قاچاق بزه‌انگاری نموده است. همچنین ارتکاب بزه قاچاق نسبت به کالاهای مختلف نیز (مانند کالاهای ممنوع، مجاز مشروط و مجاز و ارز) جزو انواع مختلف بزه نیستند؛ چرا که همگی ذیل وصف بزه قاچاق بزه‌انگاری شده و صرفاً بیانگر انواع مختلفی از بزه قاچاق می‌باشند و در نتیجه ارتکاب آنها نیز جزو بزه‌های مختلف محسوب نمی‌شود.

بر این اساس در بحث تعدد در بزه قاچاق می‌بایست مطابق ضوابط مقرر در قانون مجازات اسلامی عمل نمود و لیکن در این خصوص ابهاماتی نیز مطرح است. ابهام نخست در خصوص جزای نقدی است. در تعیین و اجرای مجازات نسبت به بزه قاچاق کالا و ارز در حالت تعدد با توجه به اینکه جزای نقدی و یا جریمه نقدی نسبی جزو مجازات‌های مشترک در تمامی مصادیق بزه قاچاق کالا و ارز است، با توجه به بند الف ماده ۱۳۴ که صرفاً حکم به یک مجازات می‌شود و یا به استناد بند ث ماده مذکور که به هر حال فقط مجازات اشد اجراء می‌شود، این امر می‌تواند منتهی به عدم حکم و یا عدم اجرای بخشی از جزای نقدی مربوط به اتهامات متعدد متهم در بزه قاچاق شود. در تبصره ۱ الحاقی به متن اصلاحی ماده ۶۳ مجلس شورای اسلامی (که هنوز نهایی نشده است) در این راستا حکم خاص پیش‌بینی شده است. «در تخلفات و جرایم موضوع این قانون ملاک تعیین جریمه یا جزای نقدی یا ضبط کالا یا ارز یا وسیله حمل یا محل نگهداری یا أخذ معادل آنها، مجموع ارزش مربوط به دفعات متعدد ارتکاب جرم یا تخلف ارتكابی است که منتج به صدور رأی محکومیت قطعی نشده است». قانون‌گذار در جهت رویکرد افتراقی سخت‌گیرانه خود نسبت به قاچاق با سازوکاری مشابه آنچه که پیش از این در ماده ۷ قانون صدور چک اتخاذ کرده بود، میزان جزای نقدی و جریمه نقدی را تابع ارزش مجموع دفعات ارتكابی بزه قاچاق کالا و ارز دانسته است. البته در این خصوص ابهامات چندی نیز وجود دارد؛ از جمله اینکه اگر

موضوع بزه قاچاق از انواع مختلف باشد (مانند کالاهای مجاز، مجاز مشروط و ممنوع و یا ارز) با توجه به اینکه میزان جزای نقدی هر یک از اینها متفاوت است، به چه نحوی می‌بایست عمل نمود؟ در اینجا به نظر می‌آید که در خصوص هر یک از کالاها می‌بایست مجموع آن کالاها را بصورت مجزا محاسبه نموده و در نهایت مجموع جزای نقدی ناظر به کالاهای مختلف همگی بر مرتکب قابل اعمال است.

ابهام دوم در خصوص ضبط کالا و ارز قاچاق است. در مواردی که حکم به یک مجازات می‌شود و یا اینکه فقط مجازات اشد اعمال می‌شود این ابهام مطرح می‌شود که آیا امکان ضبط کالا و ارز ناظر به اتهام غیر اشد وجود دارد؟ ضبط در زمره مجازات‌های مالی است که باعث ایجاد نقصان در اموال و دارایی محکوم می‌شود (احمدی موحد، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۸). در این راستا برخی از حقوق‌دانان بیان داشته‌اند که «علاوه بر این جزای نقدی، ضبط کالا هم به عنوان مجازات مالی دیگری برای این جرایم پیش‌بینی شده است» (بهره‌مند بگ‌نظر، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۷). برخی دیگر از حقوق‌دانان نیز بیان داشته‌اند که در بزه قاچاق کالا و ارز ضبط کالا و ارز از موضوع بزه از جهت مجازات است؛ چرا که در صورت موجود نبودن عین کالا و ارز به استناد ماده ۵۸ قانون مرتکب به پرداخت معادل ارزش کالا و ارز نیز محکوم می‌شود (آشوری، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۴). پذیرش دیدگاه فوق منجر به این نتیجه می‌شود که با توجه به مجازات بودن ضبط کالا و ارز موضوع بزه قاچاق، در خصوص اتهامات غیر اشد نتوان کالا و ارز موضوع بزه قاچاق را ضبط نمود. لیکن در جهت احتراز از این اشکال از یک سو می‌بایست به ماهیت دوگانه ضبط (مجازات - تدبیر تأمینی) توجه داشت. موضوعی که در تبصره ۵ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی نیز به صورت ضمنی بر آن تأکید شده است و ضبط را خارج از درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری دانسته است و از سوی دیگر به استناد ماده ۲۱۵ فوق‌الذکر و نیز ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری حتی در مواردی که در خصوص متهم قرار منع و یا موقوفی تعقیب صادر می‌شود نیز امکان ضبط وجود دارد. این منطق ایجاب می‌نماید که با وجود اجرای مجازات اشد در خصوص متهم، بتوان کالا و ارز موضوع بزه قاچاق غیر اشد را نیز به هر حال ضبط نمود. آن‌گونه که اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۱۱۰۵



مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۰۵ مقرر می‌دارد: «... اجرای مجازات اشد موضوع ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با لحاظ ماده ۲۱۵ این قانون و ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در هر صورت مانع از ضبط کالای ممنوعه قاچاق نمی‌باشد». البته اجرای حکم ضبط صرفاً محدود به کالای قاچاق ممنوع نبوده و در خصوص دیگر انواع موضوع بزه قاچاق کالا و ارز نیز صادق است.

### ۲-۱. حکم موارد شبیه تعدد در بزه قاچاق کالا و ارز

در خصوص بزه قاچاق کالا مواردی پیش می‌آید که شخص در قالب یک رفتار مرتکب بزه قاچاق کالا نسبت به کالاهای مختلف شده و یا اینکه در خصوص موضوع واحد، مرتکب رفتارهای مختلفی می‌شود که همگی مشمول عنوان قاچاق می‌باشند، که ضرورت دارد در این موارد موضوع اعمال مقررات تعدد بررسی گردد. همچنین یکی از موارد خاص ناظر به پیش‌بینی سیاست کیفری افتراقی در بزه قاچاق کالا و ارز پیش‌بینی نهاد «قاچاقچی حرفه‌ای» است که ضرورت دارد که ارتباط این نهاد با تعدد مورد بررسی قرار گیرد.

### ۱-۲-۱. تعدد موضوع و رفتار و ارتباط آن با تعدد جرم

با توجه به اینکه ممکن است شخصی در قالب یک رفتار، مرتکب بزه قاچاق نسبت به اقلام مختلف کالایی گردد، تنوع موضوع بزه قاچاق سبب شمول مقررات تعدد بر رفتار مرتکب نیست؛ چرا که تعدد مادی در صورتی است که شخص مرتکب رفتارهای متعدد شده باشد و در فرض مطروحه شخص صرفاً مرتکب یک رفتار شده است. در عین حال موضوع از دایره تعدد معنوی نیز خارج است؛ چرا که در تعدد معنوی بر رفتار واحد مرتکب عناوین متعدده جرم صادق است، در حالی که صرف تعدد در کالاهای موضوع بزه قاچاق سبب صدق عناوین متعدد بزه نیست. «در صورتی که شخص در قالب رفتاری واحد مرتکب قاچاق اقلام مختلف کالایی شود با توجه به این که به موجب ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ملاک تعیین مجازات میزان ارزش کالا و یا ارز قاچاق می‌باشد، فلذا می‌بایست مجموع ارزش کالاهای قاچاق مبنای صدور رأی و تعیین مجازات باشد و نمی‌توان با تفکیک هر کالا نسبت به هر یک از

آنها بصورت جداگانه رأی صادر نمود...». (نظریه مشورتی شماره ۹۵/۲۱۰/۲۵۶۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۱۸ دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی) اهمیت این امر از آنجاست که در مواد مختلفی از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مانند مواد ۱۸، ۲۱ و ۲۲) بر حسب ارزش کالای موضوع قاچاق احکام مختلفی از حیث مرجع صلاحیت‌دار، مجازات اصلی، ضبط وسیله نقلیه مورد استفاده در قاچاق و... پیش‌بینی شده است و از این رو ارزش مجموع کالاها ملاک صدور حکم می‌باشد. این حکم ناظر به موردی است که همه کالاهای موضوع بزه قاچاق دارای وصف واحدی باشند. توضیح آنکه به موجب قانون موضوع قاچاق ممکن است کالای مجاز، کالای مجاز مشروط، کالای یارانه‌ای، کالای ممنوع و یا ارز باشد. در این موارد مرجع رسیدگی‌کننده ابتدائاً ارزش هر یک از انواع موضوع بزه را مشخص نموده و سپس بر حسب مجازات مقرر در قانون برای هر یک از انواع، مجازات جداگانه تعیین می‌نماید و تمامی مجازات‌ها نیز قابلیت اجراء دارند. البته در برخی از موارد ممکن است کالاها از یکدیگر قابل تفکیک نباشد، مانند تلویزیون‌های دارای گیرنده از ماهواره که در این مورد کل کالا ممنوع محسوب گردیده (آشوری، ۱۳۹۹، صص. ۲۹-۳۰) و در نتیجه مجازات مرتکب با لحاظ ارزش کل کالا بر حسب مجازات مقرر برای کالای ممنوع تعیین می‌گردد.

موضوع مرتبط دیگر با بحث تعدد آن است که قانون‌گذار در بزه قاچاق مصادیق متعدد رفتاری (مانند ورود، صدور، حمل، نگهداری، عرضه، فروش و...) را مورد بزه‌انگاری قرار داده است و ممکن است شخصی در خصوص موضوع بزه واحد، مرتکب رفتارهای متعددی گردد، سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا این موارد مشمول احکام تعدد بزه قاچاق قرار می‌گیرد؟ در اینجا با توجه به اینکه مجموع بزه‌های ارتكابی در یک راستا می‌باشد و موضوع بزه نیز واحد است، این حالت مشمول عنوان تعدد مادی است و لیکن نکته‌ای که وجود دارد آن است که ممکن است، مجازات این مصادیق رفتاری بعضاً متفاوت باشد (مانند مجازات عرضه و فروش کالا و ارز قاچاق موضوع ماده ۱۸ که مجازات آن حداقل مجازات مقرر برای ورود، صدور، حمل و نگهداری همان موارد می‌باشد) و یا هر یک از مصادیق بعضاً احکام خاصی را به دنبال داشته باشند (مانند امکان ضبط خودرو در مصداق حمل کالای قاچاق و یا

مصادره محل نگهداری در نگهداری کالای ممنوع) که در این موارد می‌بایست مجازات اشد مورد حکم قرار گیرد و احکام خاص نیز مد نظر مرجع رسیدگی کننده قرار گیرد (برای نظر مخالف ر.ک: ساکی، ۱۳۹۶، ص. ۶۴).

#### ۲-۲-۱. حکم قاچاقچی حرفه‌ای و ارتباط آن با تعدد

یکی از موارد مرتبط با تعدد بزه قاچاق پیش‌بینی «قاچاقچی حرفه‌ای» در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. قاچاقچی حرفه‌ای تجلی نفوذ مفاهیم و اندیشه‌های «حرفه مجرمانه<sup>۲</sup>» و «جرم حرفه‌ای<sup>۳</sup>» از حوزه جرم‌شناسی به حقوق کیفری است. قانون‌گذار در بند ش ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۲ ابتدائاً در تعریف قاچاقچی حرفه‌ای چنین مقرر نمود: «شخصی است که بیش از سه بار مرتکب تکرار و یا تعدد جرم قاچاق شود». بر این اساس هر شخصی (اعم از حقیقی یا حقوقی) که بیش از سه بار سابقه محکومیت قطعی به جهت ارتکاب قاچاق کالا و یا ارز داشت (تکرار) و یا بیش از سه بار مرتکب قاچاق کالا و ارز شده بدون آنکه بین ارتکاب آنها نسبت به اتهامات قبلی محکومیت قطعی پیدا کرده باشد (تعدد مادی) و یا با تلفیقی از دو حالت پیش بیش از سه بار مرتکب قاچاق شده بود، قاچاقچی حرفه‌ای تلقی می‌شد.

با اصلاح بند مذکور در سال ۱۳۹۴ دو تغییر عمده در تعریف به وجود آمد که هر دو نیز در جهت محدود نمودن قلمرو شمول عنوان قاچاقچی حرفه‌ای است. بر این اساس «قاچاقچی حرفه‌ای: شخصی است که بیش از سه بار مرتکب قاچاق شود و ارزش کالا یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد». بر این اساس، اولاً. صدق عنوان قاچاقچی حرفه‌ای صرفاً ناظر به موردی است که شخص حداقل سه بار سابقه محکومیت قطعی به ارتکاب قاچاق کالا و ارز داشته و برای بار چهارم یا بیشتر مرتکب قاچاق کالا و ارز شود. به عبارت دیگر قانون‌گذار دفعات تعدد ارتکاب قاچاق را برای صدق عنوان قاچاقچی حرفه‌ای کافی نمی‌داند. در این راستا حذف عبارت «تعدد» از بند مذکور، ظهور «بار» و «مرتبه» به مانند «مرتبه» مذکور در ماده ۱۸ مکرر این قانون بر تکرار، ترداف «مرتبه» و «تکرار» در تبصره ۲ ماده ۲۱ این قانون و تفسیر به نفع متهم این نظر را تأیید می‌کند (برای نظر مخالف ر.ک: شاملو و داودی فرخند، ۱۳۹۹، ص. ۲۴)؛ ثانیاً. با پیش‌بینی نصاب برای ارتکاب قاچاق کالا و

ارز، در صورتی سابقه محکومیت‌های قبلی مرتکب در تحقق وصف قاچاقچی حرفه‌ای مؤثر است که ارزش کالا و یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از ده میلیون ریال باشد. البته در اصلاحیه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۹ (که هنوز نهایی نشده است)، مجدداً قانون‌گذار تعدد و یا تکرار ارتکاب قاچاق برای بیش از سه بار را مشروط بر اینکه ارزش کالا و یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از یکصد میلیون ریال باشد را مشمول عنوان قاچاقچی حرفه‌ای دانسته است. با فرض لازم‌الاجراء شدن مصوبه اخیر برخی از مصادیق تعدد از شمول حکم مقرر در قانون مجازات اسلامی خارج شده و به موجب حکم خاص مقرر در ماده ۳۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در این خصوص عمل می‌شود.

## ۲. تعدد بزه قاچاق کالا و ارز با بزه‌های دیگر

در صورتی که بزه قاچاق ارتكابی توسط مرتکب با بزه‌های دیگری از حیث تعدد معنوی و یا تعدد مادی ارتباط پیدا نماید، اطلاق ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اقتضای اعمال مقررات عام تعدد را در این خصوص دارد. البته آن‌گونه که پیش از این نیز اشاره گردید، بحث تخلفات قاچاق نیز به مانند جرم قاچاق مشمول مقررات تعدد می‌شود. در نتیجه در اعمال مقررات تعدد مادی و معنوی، ارتکاب تخلف قاچاق نیز در حکم جرم بوده و در نتیجه مراجع رسیدگی‌کننده می‌بایست احکام تعدد را در خصوص تخلفات قاچاق نیز رعایت نمایند. با این حال در برخی از موارد در تعدد مادی و یا معنوی بزه قاچاق با دیگر بزه‌ها احکام خاصی پیش‌بینی شده است و یا اینکه در خصوص نحوه اعمال مقررات تعدد بحث‌های جدی وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

### ۲-۱. تعدد جعل و استفاده از سند مجعول با بزه قاچاق کالا و ارز

یکی از موضوع‌هایی که در بحث تعدد بزه قاچاق ممکن است مطرح شود، ارتباط بزه قاچاق با جرم استفاده از سند مجعول است. در اینجا می‌بایست حکم دو مورد را مشخص کرد، مورد نخست آنکه که استفاده از اسناد جعلی ممکن است بعضاً خود مصداق قاچاق باشد و مورد دوم زمانی است که استفاده از سند جعلی منتهی به ارتکاب

بزه قاچاق شود. البته پیش از پرداختن به این دو موضوع می‌بایست اشاره مختصری به جرم جعل موضوع ماده ۳۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز داشت. این ماده را می‌بایست مصداقی خاص از جرم جعل و استفاده از سند مجعول تلقی نمود.

موضوع جعل در این ماده مشتمل بر «اسناد مثبت گمرکی اعم از کتبی یا رقمی (دیجیتالی)»، «سایر اسناد از قبیل اسناد سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، مؤسسه ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران<sup>۵</sup>، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ثبت سفارش و سایر مجوزهای مورد نیاز صادرات و واردات» و نیز «شناسه کالا و رهگیری»، و «مهر و موم یا پلمب گمرکی» است و آن‌گونه که ملاحظه می‌شود، مصداق دوم (سایر اسناد) جنبه تمثیلی دارد و البته بدیهی است در خصوص اسناد مراجع مذکور، در صورتی مرتکب مشمول این ماده است که اسناد مربوط به واردات و یا صادرات و یا دیگر مصداق قاچاق بوده و جعل اسناد دیگر مشمول ماده ۳۳ نبوده و تابع عمومات است.

رفتار مرتکب در ماده ۳۳ مشتمل بر «جعل» و «استفاده از سند مجعول» است و در صورتی که یک شخص مرتکب هر دو رفتار شود، به استناد رأی وحدت رویه شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۰۱/۱۸ مشمول مقررات تعدد مادی از نوع جرایم مختلف می‌شود. با این حال شمول ماده ۳۳ منوط به ارتکاب بزه قاچاق نیست. در ماده ۳۳ صرف‌نظر از اینکه قاچاق کالا و ارز محقق شده یا نشده باشد، جزای نقدی مرتکب بر اساس ارزش کالا و یا ارز موضوع اسناد مجعول (و نه قاچاق واقع شده) تعیین می‌شود. بر این اساس مرتکب علاوه بر مجازات حبس مذکور در قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کالای موضوع اسناد محکوم می‌شود.

آن‌گونه که پیش از این اشاره شد در مواردی استفاده از اسناد جعلی ممکن است بعضاً خود مصداق قاچاق باشد. نمونه‌هایی از این مورد را می‌توان در تبصره بند ب و بندهای ح و خ ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی و بند پ ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ملاحظه نمود. در این خصوص نظرات مختلفی بیان شده است. برخی از نویسندگان بر این نظر هستند که «اگرچه جرم جعل از جرایم عمومی است و فی‌نفسه از لحاظ قانون مجازات عمومی دارای عناصر تشکیل‌دهنده خاص خود می‌باشد، اما اجتماع آن با خارج نکردن وسیله نقلیه یا کالا [موضوع بند ب ماده ۱۱۳ قانون امور

گمرکی]، مجتمعاً توسط قانون‌گذار، جرم واحد «قاچاق» محسوب شده است» (احمدی، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۴). همچنین برخی دیگر بیان داشته‌اند که «با توجه به اینکه قانون‌گذار اسناد به اسناد خلاف واقع (و جعلی) را در کنار خارج نکردن وسایط نقلیه و کالای ورود موقت یا ترانزیت خارجی، مجموعاً یک جرم تلقی کرده است، موضوع مشمول [تعدد] نبوده و مرتکب فقط بابت جرم قاچاق تحت تعقیب قرار می‌گیرد» (ساک، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۱). برخی دیگر بیان داشته‌اند که «در حالتی که قاچاق از طریق سند مجعول اتفاق افتاده باشد، سه جرم متصور است: قاچاق کالا، جعل و استفاده از سند مجعول. قاچاق کالا با استفاده از سند مجعول، مجموعاً یک عمل و جرم را تشکیل داده و لذا مطابق تبصره ۲ ماده ۱۳۴ [سابق یا همان بند د ماده ۱۳۴ فعلی] قانون مجازات اسلامی، مجموعه اعمال ارتكابی، تحت عنوان قاچاق قابل تعقیب است. در عین حال، در فرض مزبور قاچاق کالا همراه با جعل اتفاق افتاده و لذا مورد از موارد تعدد مادی خواهد بود» (ساداتی، ۱۳۹۵، ص. ۹۸). هم‌راستای با این نظر برخی دیگر نیز بیان داشته‌اند که «به نظر می‌رسد این مورد [تبصره بند ب ماده ۱۱۳]، مشمول تبصره دوم ماده ۱۳۴ [سابق یا بند د ماده ۱۳۴ فعلی] قانون مجازات اسلامی است و مجموعه عملیات ارتكابی، یک عنوان مجرمانه یعنی قاچاق را دارد بنابراین تعدد مادی به حساب نمی‌آید و استفاده از سند مجعول نیز مجازات جداگانه ندارد» (زراعت، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۸). البته بدیهی است خصوصیتی در مصادیق خاص ارتكاب بزه قاچاق از طریق ارائه اسناد جعلی وجود ندارد و دیدگاه حقوق‌دانان فوق‌الذکر را می‌توان به مصادیق دیگر ارتكاب قاچاق از طریق ارائه اسناد جعلی نیز تسری داد.

درستی دیدگاه فوق‌الذکر محل تردید است؛ چرا که اولاً. در بند د ماده ۱۳۴ شخص مرتکب رفتارهای متعدد شده است و قانون‌گذار مجموع رفتارهای ارتكابی را مشمول عنوان واحدی دانسته است، لیکن در موضوع مورد بحث حاضر شخص رفتار واحدی داشته است که بر آن دو عنوان جرم استفاده از سند مجعول و بزه قاچاق کالا صدق می‌نماید و هر چند برخی این مورد را از مصادیق تعدد معنوی دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۱) و لیکن تحقق آن منوط به ارتكاب چندین رفتار مجرمانه است و ذکر بند د در ذیل ماده ۱۳۴ که ناظر به تعدد مادی است، مؤید این دیدگاه است؛<sup>۱</sup> ثانیاً. اگر

شخص با استفاده از سند جعلی اقدام به قاچاق کالای مجاز، مجاز مشروط و یا یارانه‌ای نماید، در این صورت اصولاً مجازات حبس پیش‌بینی نشده و مجازات آن جزای نقدی نسبی بوده و جزای نقدی نسبی درجه ۷ محسوب می‌شود، این نتیجه برخلاف سیاست کیفری سخت‌گیرانه قانون‌گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است؛ ثالثاً. پذیرش دیدگاه فوق‌الذکر با صراحت ماده ۳۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز در تعارض است. در ماده ۳۳ استفاده از اسناد مجعول مشتمل بر «اسناد مثبت گمرکی اعم از کتبی یا رقومی (دیجیتالی)»، «سایر اسناد از قبیل اسناد سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، مؤسسه ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ثبت سفارش و سایر مجوزهای مورد نیاز صادرات و واردات» و نیز «شناسه کالا و رهگیری»، و «مهر و موم یا پلمب گمرکی» جرم‌انگاری شده است و آن‌گونه که ملاحظه می‌شود، مصداق دوم (سایر اسناد) نیز جنبه تمثیلی دارد. سؤالی که مطرح می‌شود آن است که آیا اساساً امکان ارتکاب بزه قاچاق کالا با استفاده از اسناد مجعول بدون استفاده از اسناد مجعول مقرر در ماده ۳۳ امکان‌پذیر است؟

برخی دیگر از حقوق‌دانان نیز بیان داشته‌اند که «امکان تحقق این بند [بند خ ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی] با ارائه مجوزهای جعلی نیز میسر است که البته علاوه بر مجازات قاچاق می‌تواند مجازات جعل یا استفاده از سند مجعول را نیز به دنبال داشته باشد. به عنوان نمونه مجوز وزارت صنعت، معدن و تجارت در خصوص دستگاه خط تولید جعل می‌شود و مرتکب قصد دارد آن را کالای معاف جلوه دهد، حال آنکه واقعاً مشمول معافیت نیست» (غیب‌غلامی، ۱۳۹۴، صص. ۱۹۶-۱۹۷). مطابق ظاهر این دیدگاه شخصی که با استفاده از سند جعلی مرتکب بزه قاچاق شده است، ممکن است به دو مجازات محکوم شود. البته اگر منظور این باشد که استفاده از سند مجعول و بزه قاچاق مشمول تعدد مادی است، در این صورت این نظر محل اشکال خواهد بود؛ چرا که شخص مرتکب یک رفتار می‌شود و لیکن بر رفتار او دو عنوان بزه قاچاق و استفاده از سند مجعول صدق می‌نماید.

یک دیدگاه نیز می‌تواند این باشد که با توجه به مؤخر بودن ماده ۳۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بر مصادیق ارتکاب بزه قاچاق از طریق استفاده از سند مجعول مقرر در برخی از بندهای ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی، ماده ۳۳ در حدود تعارض ناسخ مصادیق

بزه قاچاق مزبور می‌باشد. در نقد این دیدگاه نیز می‌توان بیان داشت که قطعاً چنین رویکردی مد نظر قانون‌گذار نبوده است؛ چرا که علاوه بر مصادیق استفاده از سند مجعول در ارتکاب بزه قاچاق مقرر در ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی، برای تحت پوشش قرار دادن خلاءهای موجود، قانون‌گذار در بند پ ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز به «اظهار کالا به گمرک با ارائه اسناد و یا مجوزهای جعلی» اشاره می‌نماید.

با توجه به اینکه رابطه بین بزه قاچاق با استفاده از سند مجعول مقرر در ماده ۳۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز عموم و خصوص من وجه است، در ماده ۳۳ قانون‌گذار نفس به کارگیری اسناد مجعول مذکور در ماده را صرف نظر از اینکه منتهی به ارتکاب بزه قاچاق بشود یا نشود، جرم‌انگاری نموده است و عدم پیش‌بینی مجازات ضبط کالا و یا ارز قاچاق مؤید این نظر است و در تعیین جزای نقدی نیز، ماده آن را تابع ارزش کالای موضوع اسناد مجعول (و نه کالا و یا ارز موضوع قاچاق) می‌داند. در مواردی که بر رفتار واحد هم‌زمان یکی از مصادیق بزه قاچاق و استفاده از سند مجعول صدق نماید، در این صورت رفتار واحد مشمول عناوین متعدده شده و مشمول مقررات تعدد معنوی است و با توجه به تنوع مجازات‌ها در بزه قاچاق کالا و ارز، ممکن است حسب مورد مجازات مقرر در ماده ۳۳ و یا مجازات مقرر برای بزه قاچاق اشد باشد.

## ۲-۲. تعدد تخلفات ارزی با قاچاق ارز

به موجب قانون تعزیرات حکومتی مصادیقی از تخلفات ارزی پیش‌بینی شده است که هر چند ممکن است مستلزم ورود، خروج، خرید، فروش و یا حواله ارز به نحو غیرمجاز باشد و لیکن مشمول عنوان بزه قاچاق ارز نمی‌شوند. بر این اساس به موجب ماده ۱۰ قانون تعزیرات حکومتی عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی تخلف‌انگاری شده است. در تخلف عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز دولتی، شخص واردکننده با دریافت ارز دولتی متعهد به وارد نمودن کالا با میزان و کیفیت مشخص می‌شود و لیکن با وجود دریافت ارز اقدام به ایفای کامل یا جزئی تعهد خود به لحاظ کمی و کیفی نمی‌نماید.

به موجب قسمت اخیر ماده ۱۰ در صورت وقوع سوءاستفاده از تخلف ارزی علاوه



بر دیگر ضمانت‌اجراءهای مقرر در ماده، مرتکب به پرداخت جریمه تا پنج برابر مبلغ سوءاستفاده نیز محکوم می‌گردد. عبارت «سوءاستفاده» عبارت گسترده و در عین حال مبهمی است و می‌تواند مشتمل بر مصادیق رفتاری موضوع بند خ ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز گردد. با توجه به اینکه رابطه بین ماده ۱۰ قانون تعزیرات حکومتی و مصادیق قاچاق ارز مقرر در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز عموم و خصوص من وجه است؛ از این رو قانون اخیرالتصویب (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز) نمی‌تواند نسخ قانون سابق‌التصویب (قانون تعزیرات حکومتی) باشد. علاوه بر این قانون تعزیرات حکومتی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب مجلس شورای اسلامی است. بر این اساس در مواردی که بر رفتار مرتکب هر دو عنوان تخلف ارزی و قاچاق ارز صدق نماید، موضوع مشمول مقررات تعدد معنوی بوده و مرتکب به استناد ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی به مجازات بزه دارای مجازات اشد محکوم می‌شود. ماده ۵۲ قانون تعزیرات حکومتی نیز بر این معنا دلالت دارد. «... هر گاه برای تخلفات مذکور در این قانون در سایر قوانین کیفر شدیدتری مقرر شده باشد مرتکب به کیفر اشد محکوم خواهد شد». بنابراین حسب مورد رفتار مرتکب مشمول عنوان تخلف ارزی و یا بزه قاچاق می‌شود. مشابه مطلب فوق در خصوص تخلف عدم اجرای تعهدات تولیدکنندگان در قبالت دریافت ارز و خدمات دولتی موضوع ماده ۱۱ قانون تعزیرات حکومتی نیز صادق است.

### ۲-۳. تعدد ترمرد با بزه قاچاق

به موجب ماده ۳۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «در صورتی که شخص حامل یا مالک کالا و یا ارز قاچاق، در مواجهه با مأموران کاشف به هر نحوی مقابله یا مقاومت نماید، اگر عمل مذکور از مصادیق دست بردن به سلاح و سلب امنیت مردم نباشد علاوه بر مجازات‌های مقرر برای ارتکاب قاچاق، به شش ماه تا دو سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود». در این ماده مرتکب شخص حقیقی حامل یا مالک کالا و ارز قاچاق بوده که در مواجهه با مأموران کاشف موضوع ماده ۳۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و یا ضابطان اقدام به استفاده از سلاح (اعم از سرد یا گرم) می‌نماید. در اینجا دو حالت متصور است. حالت نخست، در صورتی که اقدام مرتکب

متمهی به سلب امنیت مردم گردد، در این صورت اقدام او مشمول عنوان محاربه می‌شود. حالت دوم، در صورتی که بر عمل فوق عنوان محاربه صدق ننماید که در این حالت به موجب حکم قسمت اخیر ماده ۳۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز از جهت تمرد در مقابل مأموران کاشف به شش ماه تا دو سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود و منطقی آن است که این حکم را مصدق خاص از جرم تمرد نسبت به مأموران دولتی دانسته و در نتیجه اعمال حکم ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن در اینجا سالبه به انتفاء موضوع است.

با توجه به عبارت «علاوه بر مجازات‌های مقرر برای ارتکاب قاچاق» که در فرض اخیر ماده پیش‌بینی شده است، در این مورد به جهت پیش‌بینی حکم خاص برای تعدد مادی، موضوع از شمول ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی خارج است و مرتکب به هر دو مجازات مقرر برای قاچاق و تمرد محکوم می‌شود. البته به نظر می‌آید که در فرض نخست ماده نیز (شمول عنوان محاربه) این حکم جاری است، در نتیجه شخص علاوه از حیث محاربه، از حیث قاچاق کالا و ارز نیز مورد محکوم می‌شود؛ البته بدیهی است که در مقام اجرای مجازات مفاد ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی رعایت گردیده و در تعدد جرایم موجب حد و تعزیر مجازات‌ها جمع و ابتداء مجازات حدی اجراء می‌شود.

## ۲-۴. تعدد تأمین مالی تروریسم با بزه قاچاق

به موجب ماده ۳۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در صورتی که مرتکب جرایم قاچاق کالا و ارز عواید و سود حاصل از این جرایم را برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروه‌های معاند با نظام اختصاص یا هزینه نموده است، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون به مجازات محارب یا مفسد فی الارض نیز محکوم می‌گردد. این ماده ناظر به حالتی است که شخص ابتدائاً مرتکب بزه قاچاق کالا و یا ارز شده است و از این‌رو حسب مورد به جهت ارتکاب بزه قاچاق به «مجازات‌های مقرر در این قانون» محکوم می‌شود. در این ماده به «جرایم قاچاق کالا و ارز» اشاره شده است که ذکر جرایم محل اشکال است؛ چرا که خصوصیتی در مصادیق جرم قاچاق نبوده و تخلفات قاچاق نیز می‌تواند شامل حکم ماده شود و با توجه به اینکه قاچاق ارز نیز در کنار قاچاق کالا ذکر شده است و اصولاً قاچاق ارز (جز در

موارد مشدد) تخلف محسوب می‌شود، از این رو کاربرد واژه «جرایم» از باب مسامحه بوده است.

متعاقباً به موجب ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم «مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز... برای انجام اعمال... یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی» مصداقی از تأمین مالی تروریسم دانسته شده است، لیکن در قاچاق ارز خصوصیتی وجود ندارد؛ چرا که قاچاق ارز از جهت تمثیل ذکر شده است و از این رو ماده شامل قاچاق کالا نیز می‌شود؛ فلذا بین این ماده با ماده ۳۱ قانون مبارزه با قاچاق تعارضی وجود ندارد. البته در ماده ۱ تحقق جرم تأمین مالی تروریسم منوط به ارتکاب قبلی قاچاق توسط خود مرتکب نیست و این در حالی است که در ماده ۳۱ آن‌گونه که پیش از این اشاره شد، ارتکاب جرم منوط به ارتکاب قبلی قاچاق توسط مرتکب است.

در صورتی که شخصی هم مرتکب بزه قاچاق شده و متعاقب آن مرتکب جرم تأمین مالی تروریسم در خصوص عواید و سود حاصل از قاچاق شود، اقدام مرتکب مشمول تعدد مادی می‌شود و لیکن از شمول ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی خارج بوده و مرتکب به مجازات هر دو محکوم می‌شود. در این خصوص دو دلیل می‌توان مطرح کرد: نخست آنکه، در موردی که تأمین مالی تروریسم منتهی به افساد فی الارض می‌شود، به موجب ماده ۳۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود، وحدت ملاک اقتضاء می‌کند که همین منطبق در جرم تأمین مالی تروریسم تعزیری موضوع ماده ۲ قانون تأمین مالی تروریسم نیز صادق باشد. دوم آنکه، در ماده ۱ قانون تأمین مالی تروریسم قانون‌گذار وجوه و اموالی را که برای ارتکاب تأمین مالی تروریسم اختصاص یافته است را اعم از وجوه و اموال دارای منشأ قانونی و غیرقانونی دانسته است و با این حال در ماده ۲ برای تأمین مالی تروریسم مجازات پیش‌بینی کرده است.

## ۲-۵. تعدد افساد یا اخلال در نظام اقتصادی کشور با بزه قاچاق

شرایط اقتصادی حاکم بر کشور در دهه ۶۰ شمسی سبب گردید که قانون‌گذار قوانین سخت‌گیرانه متعددی را در خصوص بزه‌های اقتصادی اتخاذ نماید که تصویب قانون

مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور از جمله این قوانین بود (سمیعی زنوز، ۱۳۹۵، صص. ۲۸-۲۹). با تصویب این قانون ارتکاب برخی از مصادیق قاچاق کالا و ارز مشمول قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور می‌شود. با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز موارد شمول عنوان اخلاص در نظام اقتصادی کشور بر بزه قاچاق گسترش یافت. به موجب ماده ۳۰ این قانون در صورتی که ارتکاب قاچاق کالا و ارز منجر به اخلاص گسترده در نظام اقتصادی کشور شود، موضوع مشمول قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور گردیده و مرتکب طبق مقررات قانون مزبور مجازات می‌شود. اطلاق این ماده شامل تمامی مصادیق اعم از جرم و یا تخلف قاچاق است و در این خصوص تفاوتی بین این دو وجود ندارد.<sup>۷</sup>

بزه قاچاق کالا و ارز منتهی به اخلاص گسترده نظام اقتصادی بر حسب شدت آن بر دو نوع است، بر این اساس در صورتی که بزه قاچاق کالا و ارز گسترده بوده و شدت اخلاص ایجاد شده در حد افساد فی الارض باشد، مرتکب از جهت جرم افساد فی الارض به استناد ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی به مجازات اعدام محکوم می‌شود و در صورتی که قاچاق کالا و ارز منجر به اخلاص گسترده منجر به حد افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حبس از پنج تا بیست سال و شلاق از ۲۰ تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و در هر دو صورت به عنوان جزای مالی اموال ناشی از جرم ضبط می‌شود.

همچنین در تبصره ۱ ماده ۲ قانون مذکور آمده است که در مواردی که اخلاص عمده یا کلان یا فراوان نباشد، مرتکب حسب مورد علاوه بر رد مال به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی معادل دو برابر اموالی که از طریق مذکور به دست آورده محکوم می‌شود. با توجه به اینکه در ماده ۳۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز صرفاً شق قاچاق کالا و ارز منجر به «اخلاص گسترده» به قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور ارجاع داده شده است، بنابراین بزه قاچاق کالا و ارز منتهی به اخلاص غیرگسترده مشمول قانون مذکور نمی‌شود و تابع احکام قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. با توجه به توضیحات فوق در مواردی که بر بزه قاچاق کالا و ارز، عنوان اخلاص در نظام اقتصادی کشور نیز صدق نماید، رفتار مرتکب مشمول تعدد معنوی بوده و مرتکب صرفاً از جهت جرم اخیر قابل مجازات می‌باشد.

### ۳. تجمیع محکومیت‌ها در تعدد در بزه قاچاق کالا و ارز

اصولاً مقررات دادرسی کیفری برای وضعیتی قاعده‌گذاری نموده‌اند که اتهام واحدی نسبت به متهم مطرح است و راجع به تعدد اتهام (جز در موارد استثناء) مقررات تفصیلی وجود ندارد (رستمی غازانی، ۱۳۹۰، ص. ۲۳ و الهام و کربلایی حاجی اوغلو، ۱۳۹۸، ص. ۱۷). به موجب ماده ۵۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «در کلیه مواردی که شرایط و ضوابط دادرسی در این قانون پیش‌بینی نشده است، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری رفتار می‌شود». این ماده پل ارتباطی اجرای مقررات قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص پرونده‌های قاچاق کالا و ارز در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب و شعب تعزیرات حکومتی است.

صرف‌نظر از ابهامات کلی در دادرسی‌های کیفری در اجرای مقررات تعدد، یکی از موضوعات مهمی که در مرحله اجرای احکام قاچاق تعزیرات حکومتی ممکن است مطرح شود نحوه تجمیع محکومیت‌های مختلف صادره در خصوص یک شخص می‌باشد که ضرورت اعمال مقررات ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری را موجب می‌شود. در صورتی که تمامی محکومیت‌ها از شعب مراجع قضائی صادر شده باشد، حسب مورد مطابق احکام مقرر در بندهای ماده ۵۱۰ مذکور عمل می‌شود.

در صورتی که همه احکام در شعب تعزیرات حکومتی صادر شده باشد، با تطبیق مقررات ماده ۵۱۰ با ساختار تعزیرات حکومتی این مقررات اعمال می‌شود. با توجه به درجه ۷ محسوب شدن جرایم دارای جزای نقدی نسبی، احاله حکم تعدد در بزه قاچاق به قانون مجازات اسلامی و حکم بند ۱۳۴ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی که به موجب آن در تعدد جرایم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات ماده ۱۳۴ اقدام می‌شود، در فرضی که شخص مرتکب چند تخلف قاچاق شده باشد، شعب تعزیرات حکومتی نیز می‌بایست با تطبیق ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری به اعمال مقررات این ماده در جهت اجرای مقررات تعدد اقدام نمایند.

در مواردی که برخی از آرای محکومیت از مرجع قضائی و برخی از آنها از شعب تعزیرات حکومتی صادر شده باشد، در اینجا سه دیدگاه قابل ارائه است: دیدگاه نخست آن است که در این موارد مقررات تعدد اجراء نمی‌شود (آشوری، ۱۳۹۸: ۱۸۳). در راستای این نظر می‌توان استدلال نمود، از آنجایی که رسیدگی به تخلفات و جرایم

قاچاق در دو مرجع متفاوت اداری و قضائی صورت می‌گیرد، امکان اعمال مقررات تعدد وجود ندارد و لیکن در نقد این نظر باید گفت که این دیدگاه در تعارض با ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است و از سوی دیگر باید توجه داشت که مقررات شکلی می‌بایست با توجه به مقررات ماهوی تنظیم شده و زمینه اجرای مقررات ماهوی را فراهم کند. از این رو می‌بایست ابهامات موجود در مقررات دادرسی را به نحوی تفسیر نمود که منتهی به اجرای مقررات ماهوی حقوق کیفری شود. دیدگاه دوم نیز آنکه با توجه به اینکه صلاحیت ذاتی این دو از یکدیگر جدا می‌باشند، فلذا مورد مشمول بند پ ماده ۵۱۰ شده و آراء برای نقض به دیوان عالی کشور ارسال می‌شود و پس از نقض در دیوان عالی کشور، حسب مورد مرجع بالاتر و یا مرجعی که در صدور رأی مؤخر بوده است، رأی تجمیعی صادر می‌کند. در این نظر صلاحیت دادگاه انقلاب و شعب تعزیرات حکومتی هم‌عرض تلقی شده است و از این رو در مقام تجمیع ممکن است که صلاحیت تجمیع بر عهده شعب تعزیرات حکومتی قرار گیرد. لیکن نظر صحیح آن می‌باشد که در این موارد پس از نقض آراء در دیوان عالی کشور، تجمیع بر عهده شعب دادگاه انقلاب است و دلیل این امر را می‌بایست در جایگاه عالی‌تر مراجع قضایی نسبت به مراجع اداری دانست.

### نتیجه‌گیری

اهمیت بزه قاچاق کالا و ارز به عنوان یکی از مصادیق بزه‌های اقتصادی سبب گردیده که قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اقدام به اتخاذ رویکرد افتراقی سخت‌گیرانه در خصوص این بزه نماید که جلوه‌های این سیاست کیفری افتراقی را می‌توان در حوزه‌های شکلی و ماهوی حقوق کیفری نسبت به بزه قاچاق کالا و ارز مشاهده نمود. نحوه اجرای توأمان مقررات افتراقی بزه قاچاق کالا و ارز در مواجهه با عمومات قانونی (قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری) بعضاً موجب بروز ابهاماتی گردیده است. در ماده ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز موضوع تعدد در قاچاق به نحو مطلق به قانون مجازات اسلامی ارجاع داده شده است که نتیجه این امر آن است که اولاً، مقررات ناظر به تعدد جرم در خصوص تخلفات قاچاق کالا و ارز نیز جاری می‌شود. به تعبیر دیگر از حیث تعدد جرم (و نیز دیگر موارد مصرح در ماده ۶۳)

تخلفات قاچاق در حکم جرم بوده و احکام جرایم در خصوص آنها اعمال می‌شود و با توجه به اینکه این برداشت می‌تواند از اعمال قاعده جمع مجازات‌ها برای بزه‌های متعدد خودداری نماید، منطبق با تفسیر به نفع مرتکب می‌باشد؛ ثانیاً. به عنوان اصل کلی، احکام حاکم بر تعدد در مصادیق مختلف بزه قاچاق کالا و ارز و نیز تعدد این بزه با دیگر جرایم، مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی است. با توجه به تحولات قانونی اخیر به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که با رویکردی سهل‌گیرانه سبب تغییراتی در برخی از نهادهای کیفری (و از جمله تعدد) گردید، این تحولات شامل بزه قاچاق کالا و ارز نیز می‌گردد.

با توجه به اینکه ممکن است شخصی در ضمن یک رفتار، مرتکب قاچاق نسبت به کالاهای مختلف شده و یا اینکه شخصی در خصوص یک کالا مرتکب مصادیق مختلف رفتاری قاچاق شود، این موارد خارج از مقررات تعدد قانون مجازات اسلامی است. در خصوص نهاد قاچاقچی حرفه‌ای نیز که تحقق آن منوط به ارتکاب چندین بار، بزه قاچاق کالا و ارز است، برخلاف برخی از دیدگاه‌ها در شرایط کنونی این نهاد ارتباطی با تعدد مادی نداشته و می‌بایست آن را حکمی خاص در خصوص تکرار در بزه قاچاق کالا و ارز دانست.

رویکرد افتراقی سخت‌گیرانه قانون‌گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص نهاد تعدد نیز مؤثر بوده است و بعضاً قانون‌گذار با عدول از ضوابط مقرر در قانون مجازات اسلامی حکم خاصی وضع نموده است که از جمله می‌توان به بهره‌گیری از ضابطه جمع مجازات‌ها در بحث تعدد مادی در مواد ۳۱ (اختصاص عواید حاصل از قاچاق برای تأمین مالی تروریسم) و ۳۴ (تمرد مرتکبین قاچاق در مواجهه با مأموران کاشف) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اشاره کرد.

با توجه به تفویض صلاحیت رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز برحسب جرم و تخلف به ترتیب به شعب دادگاه‌های انقلاب (به عنوان مرجع قضائی) و شعب تعزیرات حکومتی (به عنوان مرجع اداری)، نحوه تجمیع آرای صادره از این مراجع در جهت اجرای مقررات تعدد یکی از ابهامات عمده است که از یک‌سو با توجه به ارجاع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به قانون آیین دادرسی کیفری در موارد سکوت قانون مزبور و از سوی دیگر جایگاه برتر مراجع قضائی در مقایسه با مراجع اداری می‌بایست در سه

مورد قائل به تفکیک شد: نخست، در حالتی که همه آراء از شعب مراجع قضائی صادر شده باشند، که در این حالت مطابق ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری تجمیع به عمل می‌آید. دوم، در صورتی که تمامی آراء از شعب تعزیرات حکومتی صادر شده باشد، در این حالت با بهره‌گیری از ظرفیت ماده ۵۱۰ مذکور و تطبیق ساختار شعب تعزیرات حکومتی با آن، تجمیع در آراء صورت می‌گیرد. سوم، در مواردی که برخی از آراء از شعب مراجع قضائی و برخی دیگر از شعب تعزیرات حکومتی صادر شده باشند، که در این حالت با لحاظ ماده ۵۱۰ تجمیع صورت گرفته و البته به هر حال تجمیع توسط مرجع قضائی صورت خواهد گرفت.

## یادداشت‌ها

۱. در متن اصلاحی ماده ۶۳ در مصوبه مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی در خصوص اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که به جهت ایرادهای شورای نگهبان هنوز نهایی نشده است، بر شمول مقررات تعدد مقرر در قانون مجازات اسلامی بر تخلفات قاچاق کالا و ارز تصریح شده است. «تمامی احکام و قواعد عمومی مربوط به جرایم و تخلفات موضوع این قانون به غیر از موارد پیش‌بینی شده، مطابق قانون مجازات اسلامی است...» البته شورای نگهبان حکم مقرر در این ماده را مغایر با شرع یا قانون اساسی ندانسته است.
2. Criminal Career
3. Career Crime
۴. اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه شماره ۷/۹۴/۳۳۱۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۸ نظر متفاوتی داشته و عبارت «بیش از سه بار» را در تعریف بند ش ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را اعم از تعدد و تکرار می‌داند.
۵. به موجب ماده ۱ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب سال ۱۳۹۶ عنوان «مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران» به «سازمان ملی استاندارد ایران» تغییر یافته است.
۶. برخی از حقوق‌دانان برای حالت مقرر در بند د ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی (یا شق اخیر ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰) از عنوان «جرم شامل» بهره گرفته و در جهت تحقق آن سه شرط را لازم دانسته‌اند: اولاً، وقوع چند جرم تعزیری، ثانیاً، وجود ارتباط و پیوند بین جرایم ارتكابی و ثالثاً، شمول عنوان جزایی واحد بر جرایم جزء با تصریح قانون. آن‌گونه که ملاحظه می‌شود در این دیدگاه نیز بند د ماده ۱۳۴ از شقوق تعدد مادی (و نه



معنوی) است (ر.ک: طاهری‌نسب، ۱۳۸۱، صص. ۱۰۲-۱۱۱؛ همچنین برای نظر مشابه ر.ک: الهام و برهانی، ۱۳۹۷، ص. ۲۳۲).

۷. هم‌راستا با دیدگاه نگارنده اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۹۵۴ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۹ در پاسخ به سؤالی در خصوص امکان تحقق جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق ارتکاب تخلف قاچاق ارز بیان می‌دارد: «چنانچه قاچاق ارز موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ از مصادیق ماده ۳۰ قانون مذکور باشد بر اساس قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ رفتار می‌گردد». توضیح آنکه قاچاق ارز اصولاً مشمول عنوان تخلف قاچاق است.

#### کتابنامه

۱. آشوری، علی‌اصغر (۱۳۹۹). *قاچاق کالا و ارز*. تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۲. ابراهیمی، شهرام و دانش، مصطفی (۱۳۹۸). «تحلیل شکلی - ماهوی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز». *دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، (۲)، صص. ۲۸۱-۳۰۹.
۳. اجتهادی، سیدعبدالمجید (۱۳۹۶). *بزه‌انگاری در حوزه قاچاق کالا و ارز، مبانی و جلوه‌ها*. (رساله دکتری). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۴. احمدی موحد، اصغر (۱۳۸۷). *اجرای احکام کیفری*. تهران: میزان.
۵. احمدی، عبدالله (۱۳۸۵). *جرم قاچاق*. تهران: میزان.
۶. احمدی، عبدالله (۱۳۹۴). *حقوق کیفری قاچاق کالا و ارز*. تهران: میزان.
۷. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷). *حقوق جزای عمومی (جلد ۳)*. تهران: میزان.
۸. الهام، غلامحسین (۱۳۷۲). *مبانی فقهی و حقوق تعدد جرم*. تهران: بشری.
۹. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۷). *درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جلد ۲)*. تهران: میزان.
۱۰. الهام، غلامحسین و کربلایی حاجی اوغلو، هادی (۱۳۹۸). «دادرسی کیفری در تعدد معنوی؛ قواعد، ابهامات، راه‌حل‌ها». *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، (۱)، صص. ۱۷-۴۰.
۱۱. الهام، غلامحسین؛ میرخلیلی، سید محمود و پرهام‌فر، امیرمحمد (۱۳۹۳). «چالش‌های تعریف جرم قاچاق در نظام حقوقی ایران». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، (۶۸)، صص. ۴۷-۷۸.

۱۲. بهره‌مند بگ نظر، حمید (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۳. پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۸). افتراقی شدن سیاست کیفری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: جلوه‌ها و چالش‌ها در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین (زیر نظر)، دایرةالمعارف علوم جنایی (جلد ۴). تهران: میزان.
۱۴. دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی (۱۳۹۷). مجموعه نظریه‌های مشورتی دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی. تهران: میزان.
۱۵. رستمی غازی، امید (۱۳۹۰). «آیین دادرسی تعدد جرم». مجله پیام آموزش. (۵۲)، صص. ۲۳-۴۴.
۱۶. رستمی غازی، امید (۱۳۹۹). «پاسخ‌دهی کیفری به اشخاص حقوقی در بزه قاچاق کالا و ارز». فصلنامه اقتصاد پنهان، (۲۱)، صص. ۸۹-۱۱۰.
۱۷. زراعت، عباس (۱۳۹۵). حقوق کیفری اقتصادی. تهران: جنگل.
۱۸. ساداتی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۵). «قاچاق کالا از طریق ارائه اسناد یا اظهار خلاف واقع در حقوق کیفری ایران». دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، (۱۰)، صص. ۳۰-۵۹.
۱۹. ساکی، محمدرضا (۱۳۸۱). «نقدی بر لایحه مبارزه با قاچاق کالا، ارز، ریال و اوراق بهادار». فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، (۲۷)، صص. ۳۱-۵۰.
۲۰. ساکی، محمدرضا (۱۳۹۶). حقوق کیفری اقتصادی. تهران: جنگل.
۲۱. سمیعی‌زنوز، حسین (۱۳۹۵). «تحلیل جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص در حقوق ایران». فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، (۱۱)، صص. ۲۷-۵۱.
۲۲. سوری، فریدون (۱۳۵۹). قاچاق‌های گمرکی و رابطه آن با جرم. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲۳. سیف، اله‌مراد (۱۳۸۷). قاچاق کالا در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۴. شاملو، باقر و داودی فرخند، محمدرضا (۱۳۹۹). «مفهوم قاچاق حرفه‌ای ارز در رویکرد قانونی و رویه قضائی». فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضائی، (۳۰)، صص. ۱۳-۲۵.
۲۵. طاهری‌نسب، یزداله (۱۳۸۱). تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا. تهران: دانشور.
۲۶. غلامی، حسین و نمروری، رحیم (۱۳۹۸). «تحلیل جرم‌شناختی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، (۸۸)، صص. ۱۹-۴۰.

۴۷۰ پژوهش‌های حقوق اساسی سال بیست و دوم، شماره دوم (پیاپی ۵۴)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۲۷. غیب‌غلامی، سعیده (۱۳۹۴). حقوق گمرکی. تهران: مجد.
۲۸. فتحی، محمدجواد و امیرحاجیلو، فضل‌اله (۱۳۹۷). «جلوه‌های دادرسی افتراقی قاچاق کالا (در پرتو دادرسی منصفانه)». دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، (۲)، صص. ۳۷۹-۳۹۹.

